

می‌گیرد و به همین دلیل، استانداری‌های ما در این سال‌ها به شکل جزیره‌ای اقداماتی را برای آموزش انجام دادند و جلسات و همایش‌های آموزشی گذاشتند.

موضوعی را که می‌گویند یکی از خلاها و مشکلات جدی شوراهای این سال‌ها بوده که دقیقا به همین دلیل ضعیف، حاشیه‌دار یا حتی منحل شده‌اند.

قبول دارم که باید آموزش را پیگیری می‌کردیم؛ اما توجه کنید، مادامی که وظیفه‌ای طبق قانون به دستگاه دیگری داده شده، اگر ما وارد شویم با اعتراض دستگاه‌های نظارتی مواجه می‌شویم. ضمن اینکه اعضای شوراهای این انتخاب نمی‌کنند تا بعداً آموزششان بدهند؛ این افراد باید تربیت شده و آموزش دیده باشند و سپس انتخاب شوند. ما باید در انتخاب‌هایمان این مسئله را در نظر داشته باشیم و افرادی را انتخاب کنیم که مدیریت اجرایی می‌دانند و جای دیگری امتحانشان را پس داده‌اند.

ما در شوراهای، به‌ویژه کلان‌شهرها و تهران با اعضای روبرو هستیم که قبل از شورا مدیران اجرایی در سطح بالا بوده‌اند؛ اما آنها هم مؤلفه‌های مهم عضو شورا بودن را ندارند یا در این زمینه ضعف دارند، موافقت؟

قبول دارم که این افراد هم ممکن است رفتارهای اشتباهی داشته باشند، اما ما بیشترین ضربه‌ها را از افراد دیگری خورده‌ایم. صحبت بر سر این است که افراد آزموده‌شده باشند و دوره‌های مدیریتی را طی کرده باشند؛ شاید آن مدیر سطح بالا هم دوره مدیریتی خوبی ندیده باشد. در شهرهای کوچک ما عمده افرادی که برای شوراهای انتخاب می‌شوند، طیف دولتی‌ها هستند، عمدتاً افرادی که در آموزش و پرورش هستند و حتی در رشته‌های تحصیلی خاصی که این اصلاً روند خوبی نیست؛ افرادی که بسیار راغب به ورود به شوراهای هستند؛ درحالی که تخصص لازم را ندارند و اتفاقاً به دلیل گرایش مردم به مشاغل خاصی که ارتباطشان با مردم بیشتر است، از سوی مردم انتخاب هم می‌شوند. در شهرهای بزرگ و حتی شهرهای کوچک احساسات اجتماعی غلبه زیادی دارد و مردم به چهره‌های مشهور ورزشی و هنری و حتی چهره و فیزیک افراد رأی می‌دهند و این نگاه‌ها باید اصلاح شوند. فردی که تا زمان ورود به شورا هیچ وقت پیش را به شهرداری و سایر دستگاه‌های اجرایی نگذاشته و از امور اجرایی و عملیاتی و قوانین شهرداری اطلاعی ندارد، چطور می‌تواند وارد پارلمان و نهاد نظارتی‌ای شود که ۸۰ درصد کارش با شهرداری است؟ البته مشارکت در روستاها و شهرهای کوچک، مشارکت‌های حداکثری است که گاه می‌تواند ناشی از مباحث منفی باشد و در ادامه تنش‌هایی را به وجود می‌آورد. رقابت‌هایی که حاصل مسائل غیرشورایی باشد چالش‌های جدی را ایجاد می‌کند.

موارد ایجاد مشکل از این اختلافات در شوراهای زیاد بوده است؟

بله موارد زیاد است، در شهرهایی که چنین وضعیتی دارند، اگر نخواهیم منازعات اجتماعی را کاهش دهیم، این منازعات به مشکلات سیاسی عمده تبدیل شده و وارد شوراهای هم می‌شود. در برخی از شهرهای ما در همین دوره چهارم و از ابتدای دوره تا چهار بار شهردار را تغییر داده‌اند؛ یعنی هیچ شهرداری بیشتریتر از ۹ ماه آنجا دوام نیاورده و این ناشی از همان منازعات اجتماعی است که به شورا کشیده شده است و اتفاقاً بیشترین آسیب را به شهرداری و بعد به شهر می‌زند. در واقع یکی از مشکلات مهم دیگر شوراهای نبود ثبات در مدیریت شهری است و متأسفانه در همین دوره چهارم، بیش از ۴۰ درصد شهرداران که خود شوراهای انتخاب کرده‌اند، عزل شده‌اند.

این آمار در شهرهای کوچک و بزرگ چه تفاوتی دارد؟

در شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت و مراکز استان‌ها بیش از ۴۵ درصد و در شهرهای زیر ۲۰۰ هزار نفر جمعیت، ۴۰ درصد شهرداران مان تغییر کرده‌اند و در این شرایط کار شهرداری و شهر روی زمین می‌ماند.

در بحث انحلال شوراهای اگرچه تعداد کم بوده اما همین تعداد هم ناراحتی‌ها و نگرانی‌هایی را به دنبال داشت، می‌توان آمار مقایسه‌ای را از میزان انحلال شوراهای در چهار دوره اخیر داشت؟

در دوره اول چهار مورد داشتیم که شهرهای معروفی همچون تهران و بروجرد در میان آنها بودند. در دوره دوم ۱۱ مورد انحلال داشتیم که شهر مهمی در میان آنها نبود، در دوره سوم هشت مورد داشتیم که مهم‌ترین مورد آن شهر اهواز بود و در دوره چهارم تا به حال، هفت مورد انحلال داشتیم که مهم‌ترین مورد آن شهر خرمشهر بود. درباره شوراهای روستایی شرایط متفاوت است. در شوراهای روستایی عمده دلایل مربوط به شکل‌نگرفتن شورا است؛ یعنی شورایی شکل می‌گیرد و بعد متوقف می‌شود یا اصلاً شکل نمی‌گیرد یا پشیمان می‌شوند یا محل سکونت تغییر می‌کند و مهاجرت می‌کنند؛ چون مسئله تغییر محل سکونت از دلایل سلب عضویت است. اما موارد شورای روستایی که بر اثر تخلف مالی و اداری و اجرایی منحل شوند، بسیار کم است.

روندی را که برای انحلال طی می‌شود توضیح می‌دهید؟ معمولاً درباره این روند سوالات زیادی مطرح می‌شود.

قانون‌گذار در ماده ۸۱ ذکر کرده در صورتی که شورا از وظایف خود منحرف شد و اقدام برخلاف مصالح عموم داشته یا حیفاً و میلاً اموال عمومی مردم و شهر داشته باشد، از سوی هیئت‌های حل اختلاف و رسیدگی به شکایات شوراهای منحل می‌شود. درباره شوراهای روستایی این فرایند تا حدی ساده‌تر است و در سطح استان متوقف می‌شوند و در شهرها در سطح مرکزی که در وزارت کشور و هیئت حل اختلاف است بررسی و اقدام می‌شود. البته دبیرخانه هیئت مرکزی حل اختلاف در وزارت کشور است و در این مورد از هر سه قوه نمایندگان در هیئت حل اختلاف حضور دارند. افراد قضائی مثل معاون دادستان کل، معاون دیوان عدالت اداری، سه نفر از نمایندگان مجلس و معاون حقوقی رئیس‌جمهور و معاون مربوطه در وزارت کشور، به‌علاوه سه نفر از اعضای شورای عالی استان‌ها در این شورا حضور دارند. این هیئت‌ها شبه‌قضائی هستند.

دلایل انحلال در شوراهای شهر با اولویت کدام موارد هستند؟

نبود همکاری و تعامل و وفای درون‌گروهی در شوراهای، در صدر دلایل است. وزارت کشور دنبال منحل کردن شوراهای نیست و همه دولت‌ها هیچ‌گاه به دنبال انحلال شوراهای نبوده‌اند، اما برخی از شوراهای مشکلات عمده‌ای را برای امور عادی شهرداری و شهر ایجاد می‌کنند که مجبور به انحلال می‌شویم. عموماً از وظایف قانونی بازمی‌مانند، در انتخاب یک شهردار تعارض می‌کنند و مهم‌ترین و اولین وظیفه خود را که انتخاب شهردار است، روی زمین می‌گذارند. مهم‌ترین کار شورا پس از انتخاب شهردار نظارت‌های مالی بر شهرداری مانند تصویب بودجه یا بررسی معاملات و... است که معطل می‌ماند. عمده دلایل انحلال شوراهای به این مسائل برمی‌گردد که تشنج و درگیری‌های لفظی درون شورا، جلسات را به تعطیلی می‌کشاند. توقف انجام امور جاری شهر و خدمت‌رسانی برای مردم خط قرمز مسئولان است و اگر ببینند شهرداری نمی‌تواند کارش را انجام دهد، به سمت انحلال می‌روند. همان اتفاقی که در خرمشهر و چند شهر کوچک مثل «بیله‌سوار»، «آسمان‌آباد» و... افتاد. در هر صورت نقطه مشترک همه انحلال‌ها، ناتوانی شوراهای در انجام وظایف قانونی خودشان و نبود تعامل درون‌گروهی بوده است.

اگر اشکالی ندارد آسامی منحل‌های این دوره را هم مرور کنید.

در دوره چهارم تاکنون شوراهای «کوشک‌سار» در آذربایجان شرقی، «تنگه‌ارم» در بوشهر، «آسمان‌آباد» در ایلام، «شیرین‌سور» در همدان، «بیله‌سوار» در اردبیل و «کلاته‌خجج» در سمنان منحل شده‌اند؛ این شوراهای، شورای شهرهایی با نهایتاً پنج هزار نفر جمعیت بوده‌اند و مورد اصلی انحلال هم شهر خرمشهر بوده است. عمده این شوراهای به جز خرمشهر، پنج‌نفره هستند و اختلاف بین سه نفر یا دو نفر بر سر ریاست شورا، تعیین شهردار، اداره امور شهر و... زمینه این شرایط را فراهم کرده.

با این آمار نمی‌توان گفت انحلال‌ها روند معنی‌داری داشته‌اند؟

این روند، تفاوت معنی‌دار و مهمی ندارد و در هیچ‌کدام از دولت‌ها هم انحلال شورا، برای مسئولان دولتی هدف نبوده و همیشه مجبور به این کار شده‌اند یا در عمل انجام‌شده شوراهای قرار گرفته‌اند.

در موارد انحلال شوراهای شهر دلایل فساد مالی و اداری چقدر بوده است؟

عمدتاً دلایل انحلال‌ها اقتصادی و فساد مالی نبوده است؛ چون انحلال یک کار گروهی است و شورایی نبوده که همه اعضا به دلیل مسائل اقتصادی و فساد به سمت انحلال رفته باشند. در یکی از موارد، از هفت نفر عضو، چهار نفر مسائل مالی داشتند؛ اما چون تعداد افراد علی‌البدل زیاد است، سریع جایشان را پر می‌کنند.

اینها را که گفتید موارد منحل‌شده بود؛ مواردی را هم داشته‌ایم که تا مرز انحلال رفته‌اند اما منحل نشده‌اند؟ و آیا تا به حال رأی به انحلال، بازگشت داشته است؟

فرایند انحلال از فرمانداری شروع می‌شود و به هیئت حل اختلاف استان می‌رسد و در بسیاری از موارد مشکلات در همین مراحل حل می‌شود و اتفاقاً نکته مثبت این پروسه طولانی انحلال، همین است که شاید در این میان مشکلات حل شود. هیئت حل اختلاف استان پیشنهاد انحلال را می‌دهد و هیئت حل اختلاف مرکزی آن را بررسی و بعد تأیید و تصویب می‌کند. تازه پس از این مرحله، آن شورا می‌تواند به دادگاه صالحه شکایت کند و حتی ممکن است رأی هیئت مرکزی حل اختلاف نقض شود و حکم به ابقا و استمرار فعالیت شورا داده شود. در این سال‌ها تعامل بسیار خوبی بین محاکم قضائی و هیئت مرکزی حل اختلاف برقرار بوده؛ به‌طوری‌که هیچ‌کدام از آرای مربوط به انحلال



در برخی از شهرهای ما در همین دوره چهارم و از ابتدای دوره تا چهار بار شهردار را تغییر داده‌اند؛ یعنی هیچ شهرداری بیشتریتر از ۹ ماه آنجا دوام نیاورده و این ناشی از همان منازعات اجتماعی است که به شورا کشیده شده است و اتفاقاً بیشترین آسیب را به شهرداری و بعد به شهر می‌زند. در واقع یکی از مشکلات مهم دیگر شوراهای نبود ثبات در مدیریت شهری است و متأسفانه در همین دوره چهارم، بیش از ۴۰ درصد شهرداران که خود شوراهای انتخاب کرده‌اند، عزل شده‌اند.